

به نام خداوند یکتا

سلسله پایان نامه‌های دانشگاهی پژوهشی تحلیلی

پیاده‌ون مختار ثقفی

پژوهشگر:

شیخ حمید منصور آل عباس

مترجمان:

کمال کریمی - محمدعلی ایزدی - صادق ابراهیمی

نوع ترجمه:

معادل یابی؛ فهم متن و برگردان آن از عربی به فارسی

سرشناسه	:	آل عباس، حمیدمنصور، ۱۳۵۲ -
عنوان قراردادی	:	سلسله رسائل جامعه المختارین ابی عبیده الثقفی: درسه تحلیلیه، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	سلسله پایان نامه های دانشگاهی پژوهشی تحلیلی پیرامون مختار ثقفی / پژوهشگر حمیدمنصور آل عباس؛ مترجمان کمال کریمی، محمدعلی ایزدی، صادق ابراهیمی.
مشخصات نشر	:	شیراز: نامه ی پارسی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۲ ص.
شابک	:	۱۰۰۰۰ ریال ۶-۲۳-۷۵۷۶-۶۰۰-۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	مختارین ابی عبید، ۱ - ۶۷ق.
موضوع	:	شعبه -- تاریخ -- قرن ۱ق.
موضوع	:	امویان -- تاریخ
شناسه افزوده	:	کریمی، کمال، ۱۳۵۶ - مترجم
شناسه افزوده	:	ایزدی، محمدعلی، ۱۳۵۴ - مترجم
شناسه افزوده	:	ابراهیمی، صادق، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ ۸۰۴۱ س ۵/۱۷۵ D52۸/۵
رده بندی دیویی	:	۹۵۳/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۰۵۲۸۹



کتاب آرین

۱ ۲ ۳ ۴

سلسله پایان نامه های دانشگاهی پژوهشی تحلیلی

پیرامون مختار ثقفی

پژوهشگر: شیخ حمید منصور آل عباس

مترجمان:

کمال کریمی - محمدعلی ایزدی - صادق ابراهیمی

نوع ترجمه: معادل یابی؛ فهم متن و برگردان آن از عربی به فارسی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / شابک: ۶-۷۵۷۶-۶۰۰-۹۷۸

صفحه آرا: اطلس دهقانی / طرح جلد: جمشید رضایی / لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دنیا

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

آماده سازی پیش از چاپ: مؤسسه ی کتاب آرایان پارس

تلفکس ۳۲۳۳۱۲۸۰ - ۰۹۱۷۶۸۷۰۷۱۱

Ketab.arayan@gmail.com

Printed in the Islamic Republic of Iran- Shiraz

© حق چاپ محفوظ است.

مرکز پخش: شیراز، بلوار رحمت خیابان مسلم مسجد بقیة الله

تلفن: ۰۹۱۷۳۱۱۴۰۲۲

ایمیل: Kamal.karimi@yahoo.com

تمامی حقوق محفوظ است

چاپ اول

۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سیاسگذاری.....	۳
مقدمه پژوهش.....	۹
باب اول: زندگینامه مختار.....	۱۹
فصل اول: تولد و نسب مختار.....	۲۱
تولد و نسب مختار.....	۲۱
گاه شمار مختار.....	۲۸
فصل دوم: محیط و دامنه تأثیرات آن.....	۳۹
محیط و دامنه تأثیرات آن.....	۳۹
فصل سوم: گرایشات فکری - مذهبی مختار.....	۳۵
گرایشات فکری - مذهبی مختار.....	۳۵
اول: ناصبی بودن مختار.....	۴۸
دوم: اموی بودن مختار.....	۵۰
سوم: خارجی بودن مختار.....	۵۵
چهارم: زبیری بودن مختار.....	۵۹
پنجم: زیدی بودن مختار.....	۶۱
ششم: رافضی بودن مختار.....	۶۱

۶۲.....	هفتم: کیسانی بودن مختار.....
۶۳.....	نتیجه گیری.....
۶۷.....	فصل چهارم: مختار و ارتباطش با اهل بیت.....
۶۷.....	مختار و ارتباطش با اهل بیت.....
۹۳.....	باب دوم: تحلیل قیام مختار.....
۹۵.....	فصل اول: ریشه‌های قیام.....
۹۵.....	ریشه‌های قیام.....
۹۹.....	فصل دوم: اهداف قیام.....
۹۹.....	اهداف قیام.....
۱۰۰.....	اولا: انگیزه و اهداف شخصی.....
۱۰۱.....	ثانیا: بدست گرفتن قدرت و حکومت.....
۱۰۳.....	ثالثا: قصاص قاتلین امام حسین.....
۱۰۸.....	رابعا: اعطای منزلت اجتماعی و سیاسی به موالی.....
۱۱۱.....	فصل سوم: نقشه قیام و گاه شمار آن.....
۱۱۱.....	نقشه قیام.....
۱۱۲.....	گاه شمار قیام.....
۱۱۳.....	خروج در کوفه و علنی کردن قیام.....
۱۱۷.....	اخراج نماینده آل زبیر.....
۱۲۳.....	هجوم بر بیت المال.....
۱۲۳.....	تعقیب قاتلین حسین.....
۱۲۸.....	کشتن عمر بن سعد و پسرش خفص.....
۱۳۳.....	کشتن عبیدالله بن زیاد.....
۱۳۸.....	شورش اشراف علیه مختار.....
۱۴۴.....	مختار و عبیدالله بن حر.....
۱۴۸.....	گستره جغرافیایی قیام مختار.....
۱۵۱.....	باب سوم: تحلیل مسائل بعد از قیام مختار.....
۱۵۳.....	فصل اول: ارزیابی و تحلیل اقدامات و دست آوردهای قیام مختار.....
۱۵۳.....	ارزیابی و تحلیل اقدامات و دست آوردهای قیام مختار.....

دست آوردهای قیام..... ۱۵۵

فصل دوم: نقدی تحلیلی بر قیام مختار..... ۱۵۹

نتیجه..... ۱۵۹

اول: محدود بودن اهداف در عین متعالی بودن آن..... ۱۵۹

دوم: شخصی کردن اهداف..... ۱۶۰

سوم: مبهم بودن اهداف برای یاران مختار..... ۱۶۰

چهارم: عدم وجود جانشین برای مختار..... ۱۶۱

پنجم: مقطعی بودن اهداف..... ۱۶۲

ششم: اجتهادات شخصی و اقدامات خودسرانه یاران مختار..... ۱۶۳

هفتم: جدا شدن ابراهیم بن مالک اشتر از مختار..... ۱۶۵

فصل سوم: درس هایی از قیام مختار..... ۱۷۷

درس هایی از قیام مختار..... ۱۷۷

فصل چهارم: قیام مختار و قیام های علویان..... ۱۷۹

قیام مختار و قیام های علویان..... ۱۷۹

خاتمه..... ۱۸۱

نظرات برخی از مرجع شیعه پیرامون مختار و قیامش..... ۱۸۵

حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی (حفظه الله)..... ۱۸۵

حضرت آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم..... ۱۸۶

حضرت آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی..... ۱۸۷

حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی..... ۱۸۸

فهرست منابع..... ۱۸۹

مقدمه پژوهش

پژوهش تاریخی از دو لحاظ حائز اهمیت بسیار است؛ اول از لحاظ خود تاریخ است چراکه تاریخ به عنوان خزانه اطلاعاتی بشی، ستونی از ستون‌های دانش او و یکی از مؤلفه‌های هویت جوامع دارای گرایش‌ها و اعتقادات مختلف، محسوب می‌شود، تاریخ خزانه تمام تجربه‌های بشر در طول دوران گذشته است که انسان عاقل از آن بی‌نیاز نیست بنابراین خوشبخت کسی است که از تجربه‌های دیگران استفاده کند و پند گیرد و عاقل‌ترین مردم کسی است که عقل دیگران را به عقل خود اضافه کند اگرچه عقول و تجارب دیگران منجر به نتایج، دست آوردها و محصولات گوناگون و حتی متناقضی شده باشد.

دوم از لحاظ صرف تحقیق و پژوهش در تاریخ است چراکه پژوهش در تاریخ، به منزله روشن کردن نور در تاریکی است، همانگونه که نور در اتاقی تاریک باعث شناساندن اجزاء و محتویات داخل اتاق می‌شود، پژوهش در تاریخ نیز باعث روشن شدن محتویات، اجزاء و مؤلفه‌های تشکیل دهنده تاریخ می‌شود، بنابراین پژوهشگر تاریخ مانند کسی است که زمینی را حفر می‌کند تا گنج‌ها و دفینه‌های آن را استخراج کند. پژوهشگر تاریخ، ارتباط بین اعتقادات اثر گذار بر زندگی انسان و لایه‌های پنهان تاریخ را درک می‌کند و نه تنها اعتقادات انسان بلکه حتی ابزارهای حاکم بر فکر او و جنبه‌های مختلف زندگی مادی‌اش نیز به تاریخ وابسته است.

پژوهشگر تاریخ فقط رویدادهای تاریخ را به صرف اطلاعات تاریخی به دست نمی‌آورد بلکه او بسیار می‌کوشد تا علاوه بر این، علل و عوامل وقوع آن رویدادها را نیز کشف کند، در حقیقت او با بهرگیری از ابزارهای پژوهش مانند مطالعه، جمع‌آوری اطلاعات و سپس بررسی و پردازش آن، قطعات پازل تاریخ را در یک سیر منطقی مرتبط با هم تکمیل می‌کند تا به آنچه که صحیح است، برسد.

پژوهشگر تاریخ در روند تکمیل و چیدمان قطعات پازل تاریخ، دچار مشکلات فراوانی می‌شود زیرا به علت‌های مختلف ممکن است قطعات تکمیل کننده پازل یافت نشود یا ممکن است در این راه به نتایجی برسد که نه تنها با شرایط محیطی آن رویداد تاریخی مخالف است، بلکه حتی با باورها و اعتقادات خود او نیز مخالف باشد؛ اعتقاداتی که وی بر اساس آن رشد کرده و درستی آن و نادرستی غیر آن در او نهادینه شده است.

اینجاست که مشخص می‌شود یکی از شروط مهم پژوهش در تاریخ، خالی کردن ذهن از تمام پیش زمینه‌ها، پیش فرض‌ها، پیشداوری‌ها و عوامل تأثیر گذار محیطی است زیرا عوامل متداخل و شرایط فراوانی منجر به وقوع یک رویداد تاریخی می‌شود؛ به بیانی دیگر ما باید بر طبق شرایط و باورداشت‌های کسانی که حوادث تاریخی را بوجود آورده‌اند قضاوت کنیم نه بر طبق شرایط و باورداشت‌های خود یا آنچه که ما را به آن‌ها پیوند می‌دهد مانند زبان، نژاد، ملیت، مذهب و...

و این نوع پژوهشی که بر اساس "واقعیت و حقیقت" باشد، سخت است زیرا تقریباً تمام انسان‌ها دارای مقدساتی هستند؛ زمان‌های مقدس، مکان‌های مقدس و مهمتر از همه اشخاص مقدس. این مقدسات باعث ایجاد موانع روحی - روانی و فشارهای اجتماعی می‌شود و ما را از وصول به حقیقت باز می‌دارد در نتیجه هدف اصلی بحث و پژوهش گم می‌شود.

جامعه اسلامی به عنوان یک ملت از چارچوب آنچه که گفتیم خارج نیست چه از ناحیه خود تاریخ و محتویات آن و چه از ناحیه پژوهش و موانعی که بر سر راه آن است و طبعاً این موانع از تأثیر کار پژوهشگر می‌کاهد.

تاریخ اسلام، دوره‌های سخت و بخرنجی را پشت سر گذاشته است و تقریباً هیچ روزش بدون حادثه‌ای دردناک سپری نشده است مخصوصاً دوران اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان آن‌ها. حاکمان ظالم و مزدورانشان هیچ فرصت و مجالی به اهل بیت علیهم‌السلام و یارانشان ندادند تا نفس بکشند، بر زخم‌هایشان مرهمی نهند و از دردهایشان بکاهند و این در تنگنا قرار دادن اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان فقط منحصر به گذشته نیست بلکه این وضعیت تا به امروز نیز ادامه دارد؛ آنچه که امروز در سرزمین زخمی عراق بر شیعه می‌گذرد خود بزرگترین دلیل است بر صدق گفتار ما.

تحقیق و پژوهش در تاریخ اسلام از لحاظ دیگری نیز با سختی‌ها و موانعی روبرو است چراکه در نوشتن و ساختن تاریخ اسلام و حتی در نقل آن، دست حاکمان ظالم بنی‌امیه و بنی‌عباس در کار بوده است. آنان مؤسسای را احداث کردند که مأموریتش ساختن و نوشتن تاریخ، مطابق خواسته‌ها و امیال حاکمان و در جهت تأمین منافع آن‌ها بود و نه مطابق با واقعیت و حقیقت. این

"مورخان درباری" از حاکمانی ظالم، سنگدل، نادان و عقب افتاده، چهره حاکمانی عادل، مهربان، باسواد و ترقی خواه را برای مردم خود و نسل‌های آینده به نمایش گذاشتند. این حاکمان ظالم، قالب جامعه اسلامی را بگونه‌ای شکل دادند که فرسنگ‌ها از اسلام حقیقی و اهداف آسمانیش فاصله داشت بطوری که نمی‌توان لفظ تاریخ اسلام را بر دوران حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس اطلاق کرد بلکه باید گفت تاریخ خاندان بنی‌امیه و تاریخ خاندان بنی‌عباس این دو خاندان به اسم دین به جنگ دین رفتند و مرتکب جرائم تاسف باری شدند، برای پوشاندن حقائق به انواع تقلب‌ها و نیرنگ‌ها متوسل شدند و با این ترفند به مقابله و زشت کردن کسانی می‌رفتند که در برابر ظلم و زورگویی آن‌ها می‌ایستادند و در مقابل، حکومت خود را شعبه‌ای از خلافت الهی رسول خدا ﷺ معرفی می‌کردند.

حاکمان بنی‌امیه در فرایند "جعل و تحریف حقایق" موفق بودند، مثلث زر و زور و تزویر آن‌ها به همه چیز سرایت می‌یافت حتی دوران پیامبر ﷺ نیز از دم تیغ تحریف آن‌ها سالم نرہانید «بر این مدعا کافی است سختی‌ها و سفرهای بخاری در کشورهای مختلف اسلامی به قصد جمع‌آوری و راستی آزمایی احادیث را ذکر کنیم؛ او بعد از تحمل رنج سفرهایش بیش از ۶۰۰ هزار حدیث را یافت که تنها ۴ هزار حدیث را صحیح دانست و این یعنی از هر ۱۵۰ حدیث، فقط یک حدیث صحیح است و بقیه جعلی می‌باشد؛ اما ابوداود از ۵۰۰ هزار حدیث که یافته بود، ۴ هزار و ۸۰۰ حدیث را صحیح اعلام کرد و بقیه جعلی بوده. حدیث دیگر محدثان نیز این گونه هست و حتی بسیاری از احادیثی که محدثان آن‌ها را صحیح می‌دانند، از نظر دیگر علما و دانشمندان جای نقد و راستی آزمایی دارد که منجر به رد بسیاری از آن‌ها شده است مثل احادیث مربوط به مسأله غرائق. پس اگر وضع حدیث که محدثان نخستین در جمع‌آوری آن تلاش فراوان داشتند این گونه آشفته باشد، وضع دیگر مطالب تاریخی از جمله کتب سیره که حساسیت چندی در جمع‌آوری آن نبوده چگونه است؟ و چگونه می‌توان بدون دقت علمی و راستی آزمایی، آن را قبول کرد؟»^۱

فرایند جعل و تحریف، برخی را بالا برد و عزت بخشید و برخی دیگر را به زمین زد و خوار کرد و پیرامون عده‌ای دیگر که امویان، آن‌ها را بکار گرفتند تا از طریق‌شان به منافع خود برسند، هاله‌ای از قداست بوجود آورد و برخی از مورخان به بنگاه‌های خبرپر کنی تبدیل شدند تا چهره حاکم ظالم را به صورت خلیفه‌ای عادل، زاهد، پرهیزگار و منزّه از هر خطا و ردیله‌ای، به نمایش گذارند.

در این شرایط، نیکوکار و بدکار مساوی هم شدند و بلکه تأسف بارتر این که بدکاران، بهره، نصیب و منزلت بیشتری یافتند و از بد روزگار این است که مثلاً ما بخواهیم امام حسین بن علی علیه السلام را با یزید بن معاویه مقایسه کنیم زیرا مقایسه زمانی درست است که وجه مشترکی بین دو چیز یا دو کس که می‌خواهیم آن‌ها را با هم مقایسه کنیم وجود داشته باشد.

در سیر حرکت تاریخ، پیرامون برخی از شخصیت‌ها هاله‌ای از ابهام و غموض شکل گرفته است و یکی از این شخصیت‌ها مختار بن ابوعبید ثقفی است.

مختار، آن زمان که به خونخواهی امام حسین علیه السلام علیه امویان قیام کرد و بر کوفه مسلط شد و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد، نقش مهمی را در تاریخ ایفا کرد.

مختار در دوره مهمی از تاریخ اسلام زندگی کرد (سال ۱ ه.ق که تولد او بود تا سال ۶۷ ه.ق که درگذشت). این برهه شامل حوادث روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله، خلافت خلفای اربعه ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، حوادث مربوط به صلح امام حسن با معاویه و سرانجام حادثه کربلا بود.

در دوران خلافت خلفای اربعه (۱۱ ه.ق تا ۴۰ ه.ق) حوادثی تأسف بار، تکاندهنده و تأثیرگذار بر مسلمین گذشت که تأثیرش حتی تا به امروز نیز ادامه دارد. آن حوادث، در ضمن متغییراتی سریع، منجر به گشته شدن سه تن از خلفا و در پی آن ایجاد آشوب، تفرقه و چند قطبی شدن جامعه اسلامی گردید که اسم اسلام و نه روح اسلام تنها وجه مشترک آن‌ها بود.

دوره حکومت امام علی علیه السلام که تقریباً ۵ سال بطول انجامید (۳۵ ه.ق تا ۴۰ ه.ق) کانون شکل‌گیری و ظهور احزاب و گروه‌ها مختلف بود. این برهه از تاریخ، یکی از سخت‌ترین و خطرناک‌ترین و در عین حال مهمترین دوران تاریخ صدر اسلام محسوب می‌شود که وقوع جنگ‌های سه گانه جمل، صفین و نهروان دلیل این مدعاست.

آنگاه که معاویه بن ابی‌سفیان، حاکم شام شد (۱۵ ه.ق) از شکاف و اختلاف موجود در جامعه اسلامی بهره جست و حکومت را از خلافت شورایی به سلطنتی تبدیل کرد و به اسم اسلام، فرهنگ جاهلی را زنده کرد.

هنگامی که حکومت به یزید بن معاویه منتقل شد، اوضاع بدتر شد، امام حسین علیه السلام آن اوضاع را این‌گونه بیان می‌کنند: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ در این شرایط اگر مؤمن آرزوی مرگ کند که به دیدار پروردگارش رود، سزاوار است».^۱ حسین بن علی علیه السلام علیه رژیم اموی قیام کرد تا اوضاع را سروسامان دهد و فریاد انزجار و

^۱ مفرد، علی نظری، قصه کربلا و بضمه قصه الانتقام، بیروت. لبنان، دار الرسول الاکرم، چاپ اول ۱۴۲۲، ص ۲۱۰.

اعتراض نسبت به وضعیت موجود جامعه را علنی کند و البته این فریاد انزجار و اعتراض به جامعه یزیدی، با ریخته شدن خونس و هتک حرمت خانواده‌اش کامل شد به‌طوری‌که جبهه یزیدیان نه تنها به کشتش اکتفا نکردند بلکه به مال و ناموس و کودکان او نیز تجاوز کردند «مردم به سمت زیورآلات و شترها هجوم آوردند و آن‌ها را به غارت بردند همچنین به سمت زنان حسین و اسباب اثاثیه منزل او یورش بردند و به محض این‌که جامعه‌ای از زنی فرو می‌افتاد، آن را می‌زدیدند»^۱.

آن حوادث، ایدئولوژی فکری مختار را شکل داد تا با شورش علیه بنی‌امیه و انتخاب کوفه به عنوان پایتخت حکومتش، مرحله پایانی زندگی‌اش را آغاز کند.

محور پژوهش ما، همین برهه از تاریخ است که از دو جنبه حائز اهمیت است؛ اول: کشف شخصیت، تفکر و اعتقادات مختار است چراکه او و قیامش در هاله‌ای از ابهام قرار دارند و نظرات مختلف و متناقضی در مورد مختار و قیامش، بیان شده است و دوم: شناختن ابزار و شیوه‌هایی است که برخی از مؤرخان در تعامل با شخصیت‌های تاریخ ساز بکار می‌برند و فهم این‌که چرا این ابزار و شیوه‌های پژوهش در تاریخ منجر به نتایج مختلف و احياناً متناقض می‌شود.

ما در این پژوهش خود سعی می‌کنیم تا شخصیت غبارآلود مختار را آشکار کنیم؛ شخصیتی که حتی در نزد شیعه - که انتظار می‌رود درباره‌اش منصف و معتدل باشند و نه منکر و شکاک - نیز ناشناخته است؛ و قبل از این‌که وارد بحث شویم، برخی از عواملی که باعث شده در پیرامون مختار هاله‌ای از غبار و مه شکل بگیرد را، بیان می‌کنیم:

۱. حکومت کردن هوا و هوس و منافع بر تاریخ؛ که باعث می‌شود اطلاعات تاریخی در بین رنج درست و نادرست در نوسان باشد چراکه این اطلاعات تاریخی بدست آمده، تابع منافع و هوا و هوس‌ها بوده است و این یعنی ایمان به برخی از اطلاعات تاریخی و مقدس شمردن آن چون مطابق هوس‌ها و منافع عده‌ای بوده است و در نتیجه مغفول گذاشتن دسته قابل توجهی از دیگر اطلاعات تاریخی که با آن هوس‌ها و منافع در تعارض بوده است چه آن منافع شخصی بوده یا سیاسی و همه این‌ها یعنی عدم دقت در هر آنچه که از اعماق تاریخ به ما رسیده است.

۲. ناپدید شدن برخی از اطلاعات تاریخی؛ به علت وقوع حوادثی سریع و پیچیده در برخی از دوره‌ها، دسته‌ای از اطلاعات تاریخی به عمد یا به غیر عمد ناپدید شده است.

^۱. الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت. لبنان، دار سوادان، جزء پنجم ص ۴۵۳.

همچنان که در همین برهه تاریخی مورد بحث ما نیز دسته‌ای از اطلاعات و گزارشات نابود شده است و علت آن این است که آن‌ها تصور می‌کردند این اطلاعات مهم نیست غافل از این که همین اطلاعات در آینده بسیار اهمیت پیدا می‌کند تا جایی که اساس قضاوت‌ها و قبول یا رد برخی از نظرات قرار می‌گیرد.

۳. وجود تاریخ نقلی و عدم وجود تاریخ تحلیلی؛ اکثر اطلاعات تاریخی که به ما رسیده است صرفاً نقل قول است مثلاً تاریخ طبری، الکامل فی التاریخ، البدایه و النهایه در حالی که لازم است در کنار تاریخ نقلی یک تاریخ تحلیلی مستند به استدلال و موشکافی، وجود داشته باشد و حتی سیره نویسان نیز در گزارشات خود فقط به نقل اکتفا کرده‌اند و از تحلیل و اظهار نظر پیرامون آن نقل‌ها پرهیز کرده‌اند به عنوان نمونه می‌توان به سیره ابن هشام اشاره کرد بنابراین لازم است بر این نقل‌ها، اگرچه حتی قابل نقد و تحقیق نباشند تحلیل و نقدی زده شود، زیرا برخی از آن‌چه که مؤرخان در مورد شخصیت‌های تاریخی نقل کرده‌اند صرفاً بیان نظر و دیدگاه خود بوده است و ممکن است با واقعیت فاصله زیادی داشته باشد.

۴. عدم تأمل و تعقل در خواندن تاریخ؛ برخی از برداشت‌های ما از تاریخ براساس حب و بغض و پیشداوری است که منشأ آن احساسات زودگذر، تقلید کورکورانه و یا جهل است هرچند قضاوت براساس احساسات و یا از روی تقلید نیز منشأش جهل و بی‌سوادی است.

۵. کشمکش‌های سیاسی؛ در واقع کشمکش‌های سیاسی، زمینه را برای خلق داستان‌های خیالی و دروغ در بین تقریباً تمامی احزاب درگیر، فراهم می‌کند و هیچ حزب و گروهی از این قاعده مستثنا نیست زیرا عوام الناس وارد این بازی‌های سیاسی می‌شوند و به جای انتقال اطلاعات به صورت حقیقی و بی‌طرفانه، از روی جهل و تعصب عمل می‌کنند و مثلاً فلسفه یک جنبش و قیام را از اساس زیر سؤال برده و آن را برای آینده گان گنگ و نامفهوم می‌کنند. در این شرایط مه‌آلود، قومی که باید عزت یابد دلیل می‌شود و قومی که باید دلیل شود عزت می‌یابد.

با ذکر موارد گفته شده، وارد دریای تاریخ خواهیم شد تا به صورت دقیق‌تری با شخصیت مختار بن ابوعبید ثقفی آشنا شویم.

وقتی کسی بخواهد پیرامون یک رویداد تاریخی یا شخصیت تاریخی تحقیق کند با حجمی از

اطلاعات و گزارشات تاریخی متفاوت، پراکنده و متناقض روبرو می‌شود که باید این اطلاعات را به‌صورتی دقیق و علمی پردازش کند تا بتواند به نتیجه مطلوب برسد. من زمانی که تصمیم گرفتم پیرامون مختار تحقیق کنم به کتابخانه‌های مشهور غربستان، کویت، بحرین و سوریه سری زدم اما چیز زیادی بدست نیاوردم لذا متوجه دیگر دوستان پژوهش‌گرم که در مصر و اردن بودند، شدم. آن‌ها نیز اطلاعات زیادی بدست نیاوردند زیرا تمام کتب تاریخی که قیام مختار را گزارش کرده‌اند به صرف نقل بسنده کرده‌اند و از تحلیل و راستی آزمایی اقوال باز مانده‌اند بنابراین لاجرم به سراغ اینترنت رفتم این بار نیز آنچه را که توقع داشتم پیدا نکردم زیرا پژوهش‌ها و تحقیقات پیرامون مختار اندک و حتی تقریباً نایاب است مخصوصاً پژوهش‌هایی که زندگی مختار را به‌صورت تحلیلی بررسی کرده باشد و البته این سخن به این معنی نیست که اصلاً در مورد مختار تحقیقی وجود ندارد و ما در خلال بحث به این تحقیقات و کتاب‌ها اشاره خواهیم کرد.

ما بدین خاطر زندگی مختار را بررسی می‌کنیم که حکومت او اگرچه کوتاه بود (از سال ۶۶ تا ۶۷ ه.ق) اما ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی خاصی داشت که بخشی از تاریخ اسلام را در بر گرفت که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت؛ قیام مختار دارای پیش زمینه‌های فلسفی خاص خود و نتایج و دست‌آوردهای مهمی بود همچنین بررسی زندگی مختار منجر به فهم تاریخ منطقه کوفه که سالیان متمادی میدان کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی احزاب مختلف با تفکرات و اهداف گوناگون بودند می‌شود. علاوه بر این‌ها بررسی زندگی مختار ما را با شیوه‌هایی که مؤرخان در نقل تاریخ بکار می‌گرفتند آشنا می‌کند و ماهیت نقل وقایع تاریخی را که بس متفاوت و متناقض است درک می‌کنیم و صرف درک ماهیت تاریخ و نقل تاریخی به ما در قضاوت‌ها کمک شایانی می‌کند و مختار کلید فهم ماهیت تاریخ است زیرا وقتی شخصیتی چون او در معرض این همه شبهه و تهمت قرار می‌گیرد، دیگر افراد مهم‌تر و مقدس‌تر مانند پیامبر ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام به مراتب بیشتر آماج تیر شبهات و تهمت‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین پژوهش در زندگی مختار ابزار فهم شرایط حاکم بر آن دوره است و باعث می‌شود ما پیش زمینه‌های فلسفی قیام مختار را بخوبی درک کنیم.

این پژوهش را در ۳ باب تنظیم کرده‌ام: باب اول خلاصه‌ای از زندگینامه مختار است، زمان تولد او که سال اول هجری بوده بسیار مهم است همچنین مکان تولد او در کانون حوادث تاریخی بوده است، سپس به محیط و قبیله‌ای که مختار در آن رشد کرده پرداخته‌ام و به والدین مختار و تأثیراتی که از لحاظ روحی، اخلاقی و اجتماعی بر او گذاشته‌اند اشاره کرده‌ام. باب اول را با بررسی گرایش مذهبی مختار و اقوالی که در این مورد بیان شده است به پایان رسانده‌ام و

سرانجام بدین نتیجه رسیدم که برخلاف آنچه که برخی از مؤرخان گفته‌اند او از لحاظ گرایش‌های مذهبی و سیاسی، تابع اهل بیت علیهم‌السلام و در مسیر ولایت آن بزرگوران بوده است. در فصل آخر از باب اول ارتباط مختار با اهل بیت علیهم‌السلام را بررسی کرده‌ام و به این نتیجه رهنمون شدم که او با محبت امیرالمؤمنین علیه‌السلام رشد و نمو کرده است و آن محبت در رابطه‌اش با بنی‌هاشم و ائمه‌ای که معاصر آن‌ها بوده است نمایان شد. در این میان بر رابطه مختار با امام زین‌العابدین علیه‌السلام که قیام مختار در زمان حیات این بزرگوار بوقوع پیوست متمرکز شده‌ام.

در باب دوم که چهار فصل دارد با استفاده از متون تاریخی به بررسی قیام مختار، ریشه‌های و دست آوردهای سیاسی و اجتماعی آن پرداخته‌ام و سپس روزشمار قیام را از لحظه شکل‌گیری در کوفه تا تحقق دست آوردهایی که انتظارش را می‌رفت، ذکر کرده‌ام. در ضمن این بحث به شورش اشراف کوفه علیه مختار و درگیری مختار با آن‌ها نیز اشاره کرده‌ام؛ در واقع شورش اشراف علیه مختار باعث تغییر شیوه برخورد مختار با آنان شد به‌طوری که بهانه لازم و کافی را به مختار داد تا با آن‌ها تصفیه حساب کند و این مجرمان را به خاطر جرائمی که مرتکب شدند، مجازات کند.

باب سوم را به تحلیل وقایع بعد از قیام و نتایج و دست آوردهای آن اختصاص داده‌ام، مختار به تمام اهدافی که اعلان کرده بود رسید، او با تسلط بر کوفه، یک جامعه انسانی که اساس آن عدالت اجتماعی و مساوات بود را برپا کرد تا جائیکه برخی این عدالت را برتافتند و نسبت به مختار کینه در دل گرفتند در نتیجه اشراف کوفه با همکاری دشمنان خارجی علیه مختار شوریدند و او را نابود کردند.

در فصل دوم برخی از عواملی که منجر به شکست قیام مختار شد را بررسی کرده‌ام و آن را به عوامل داخلی که مربوط به مختار و یارانش می‌شود و عوامل خارجی که مربوط به محیط و شرایط پیرامونی می‌شود، تقسیم کرده‌ام.

باب سوم را با سخنی پیرامون درس‌ها و عبرت‌هایی که از قیام مختار می‌توان برگرفت به پایان برده‌ام همچنین تأثیر قیام مختار بر جنبش‌ها و قیام‌هایی که بعدها به‌وقوع پیوست را بررسی کرده‌ام.

و سرانجام زندگی مختار را به‌صورت خیلی خلاصه و بدون ذکر تفصیل و ورود به جزئیات به عنوان خاتمه پژوهش آورده‌ام.

ما در این پژوهش از شیوه تحلیلی که اساس آن جمع‌آوری متون تاریخی دست اول و قدیمی

است استفاده کرده‌ایم سپس به توصیف، تبیین، تحلیل، دسته‌بندی و مقایسه این متون تاریخی پرداخته‌ایم تا به نتایجی مطمئن و قابل استناد برسیم.

اکنون که پژوهش خود را در یک سیر منطقی متکامل و مرتبط به هم آغاز کرده‌ایم از خداوند عزیز و جلیل می‌خواهیم تا بتوانیم تحلیلی روشن، منطقی و مطابق واقعیت از آن رخدادها ارائه دهیم. بر او که قادر متعال است توکل می‌کنیم تا راه درست را روزیمان کند برآستی که او بر هر کاری توانا و به اجابت از همه شایسته‌تر است.